

مروری بر برخی مبانی سیره سیاسی پیامبر اعظم (ص) در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمدرضا جباری، پژوهشگر تاریخ اسلام

# معمار نظام شورایی

ارتقای عقلانیت سیاسی مردم از طریق مشارکت دادن آنها در تصمیم‌گیری‌ها، رأفت حداکثری و شدت حداقلی و اعطای نقش‌های سیاسی و اجتماعی به زنان از ویژگی‌های ممتاز حکمرانی نبوی بود

**گروه دین و اندیشه:** «سنت» به معنای فعل و قول رسول خدا، یکی از منابع اصلی برای استخراج احکام دین است، سنت قطعی رسول خدا در کنار آیات قرآنی، بیانگر نظر دین و موضع دین در یک مسأله است. مسلمانان از همان صدر اسلام تاکنون برای شکل دادن به ساحت‌های مختلف زندگی خود، سنت نبوی را محل بحث و فحص خود قرار دادند تا بتوانند به صحیح‌ترین شکل و روایت از سنت برسند. گذشته از ابعاد فردی، عبادی، عرفانی، خانوادگی و... ساحت سیاست نیز همانند دیگر ساحت‌ها، محل رجوع به سنت است تا سره از ناسره و مرضی از مغضوب خدا با استناد به رفتار نبوی بازشناسانده شود. بویژه در دهه‌های اخیر با به صحنه آمدن اسلام سیاسی و مطرح شدن آن به عنوان یک رقیب ایدئولوژیک برای تمدن غربی، ضرورت بازخوانی سیره سیاسی نبوی بیش از پیش نمایان شد و کارهای گسترده‌ای در این موضوع به سرانجام رسید. اگر چه شرح و تبیین جامع سیره نبوی کار یک صفحه از روزنامه بلکه یک کتاب تک‌جلدی هم نیست و نیاز به مجلدات و پژوهش‌ها و مقالات بسیار دارد اما امید است این نیمی که از یم سیاست‌ورزی نبوی خدمت‌خوانندگان محترم ارائه می‌شود، سرآغاز سلسله پژوهش‌های بیشتر در این موضوع باشد. در این مجال کوتاه، حجت‌الاسلام دکتر محمدرضا جباری، مدیر گروه تاریخ مؤسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی (ره) در گفت‌وگو با «وطن امروز» به ۲ موضوع «مشارکت مردم» و «جایگاه زنان» در حکمرانی نبوی پرداخته است.



■ جناب دکتر جباری! به نظر شما برای بررسی اخلاق سیاسی پیامبر (ص)، بهترین نقطه شروع بحث از کجا می‌تواند باشد؟

به نظر من بهترین نقطه شروع بحث این است که ما در ابتدا تصویری نسبت به دوران جاهلیت داشته باشیم تا مشخص شود رسول مکرّم اسلام در چه جغرافیایی تاریخی - اجتماعی معیشت کردند. این بحث به ما کمک خواهد کرد تا ارزش و جایگاه سیره و سنت نبوی را بشناسیم.

فضایی که رسول خدا (ص) در آن معیشت کردند، آلوده به کژی‌ها و ناراستی‌ها در عرصه‌های مختلف اعتقادی و جهان‌بینی، اخلاقیات و رفتارهای بیرونی و احکام تشریحی بود. زنده به گور کردن دختران، یکی از مشهورترین جنبه‌های تاریخ جاهلیت است که نشان‌دهنده اوج قساوت و جهالت در آن زمان است. امام علی علیه‌السلام در فرازی کوتاه و پرمحتوا در خطبه دوم نهج‌البلاغه ضمن بیان بیست و چند جمله فشرده و گویا، وضع زمان جاهلیت را به طور دقیق ترسیم می‌کنند. در نخستین جمله‌ها می‌فرمایند: «خداوند پیامبرش را در زمانی فرستاد که مردم در فتنه‌ها گرفتار بودند؛ فتنه‌هایی که ریشه دین در آن گسسته و ستون‌های ایمان و یقین متزلزل شده، اصول اساسی فطرت و ارزش‌ها دگرگون گشته و امور مردم پراکنده و متشتت و راه فرار از فتنه‌ها بسته، و پناهگاه و مرجع، ناپیدا بود» (و التّائس فی فتنن انّجذم فیها خیل الدّین، وَ تَزَعَزَعَتْ سِواری الّیقین، وَ اختلفَ النّجْرُ وَ تَشَتَّتْ الامْرُ وَ ضاقَ النّخْرُجُ وَ عَمیَ العُضْرُ).

سپس در ۵ جمله دیگر نتایج آن وضع نابسامان را بیان فرموده، می‌گویند: «در چنین محیطی هدایت فراموش شده و گمراهی و نابینایی، همه را فرا گرفته بود؛ درست به همین دلیل خداوند رحمان معصیت می‌شد و شیطان یاری می‌گردید و ایمان بدون یار و یاور مانده بود» (فألهدی خامل و العتمی شامل غصی الرّحمن و نصیر الشیطان و خذل الایمان).

و اسفناک‌تر اینکه «در سرزمینی می‌زیستند که دانشمندیش به حکم اجبار لیل فرو بسته و قدرت بر هدایت و نجات مردم نداشت و جاهلش گرامی بود و حاکم بر جامعه» (پارز عالمها ملجوم و جاهلها مکرم). امام علیه‌السلام در عبارات فشرده و بسیار پرمحتوای بالا، ترسیم دقیق و زنده‌ای از وضع عصر جاهلیت عرب فرموده‌اند که با مطالعه دقیق آن، گویی انسان خود را در آن عصر مشاهده می‌کند و همه نابسامانی‌ها و تیره‌روزی‌ها و زشتی‌های آن زمان را با چشم مشاهده می‌کند. این بیان، عظمت مقام پیامبر اسلام (صلی‌الله علیه و آله) را روشن می‌کند، چرا که هر قدر تاریکی عمیق‌تر و سیاهی شدیدتر باشد، نور و روشنایی آشکارتر به نظر می‌رسد و عظمت خدمات پیامبر اسلام (ص) و سازندگی آیین پاکش واضح‌تر می‌شود. جامعه آنچنانی را به جامعه اسلامی عصر رسول خدا تبدیل کردن کاری غیرممکن به نظر می‌رسید و تنها قدرت اعجاز و نیروی عظیم وحی و عمق و جامعیت دستورات اسلام توانست اینچنین معجزه‌ای را نشان دهد.

■ این «قدرت عظیم تغییر» در شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه عرب جاهلی، از کجا ناشی شد؟

ضمن در نظر داشتن اراده و مشیت الهی، باید ریشه آن را در همین سیره پیامبر ببینیم، این را هم مدنظر داشته باشیم که پشتوانه همه فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی پیامبر، قدرت معنوی ایشان بود. در واقع ویژگی مهمی که عنصر متمایزکننده پیامبر با مصلحان اجتماعی است، مسأله معنویت است.

خداوند در سوره مزمل به پیامبر گرامی اسلام دستور شب‌زنده‌داری و تهجد می‌دهد، اِنَّ نَاشِئَةَ اللَّیْلِ هِيَ اَشَدُّ وَطْئًا وَاَقْوَمُ قَبیلاً \* اِنَّ لَكَ فِی النَّهَارِ سَبْحًا طویلاً. بعد می‌گوید اکثر شب را به عبادت بپرداز چرا که در روز نیز وظایف مهمی داری. دقت بفرمایید، سرمایه و پشتوانه فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی پیامبر در روز و هنگام معاشرت و اشتغال به رفع مشکلات مردم، همان عبادت‌های شبانه، ناله‌های شبانه و نیایش‌های شبانه است؛ این نکته مهمی است که در دوران ما فراموش شده است. من سیره عبادی پیامبر را در مقاله جداگانه‌ای بررسی کرده‌ام که می‌توانید به آن رجوع کنید.

اما از سیره عبادی که بگذریم، مشی سیاسی و اجتماعی حضرت رسول نیز یکی دیگر از ارکانی بود که منجر به تغییر و تحول در شرایط جزیره‌العرب شد. در ادامه به برخی از مهم‌ترین عناصر سیره پیامبر اشاره می‌کنم:

**الف - شخصیت‌بخشی به مردم با طرف مشورت قرار دادن آنها**

پیامبر مکرّم اسلام به حکم دستور قرآن که فرمان داد: «و مشاورهم فی الامر»، مردم را طرف مشاوره خود قرار می‌دادند. همین مشارکت مردم در اداره و تدبیر جامعه،

بود که ابعاد سیاسی آن موجب جذب قلوب به پیامبر می‌شد. این را باید توجه داشت که میزبه اصلی حکومت اسلامی با حکومت‌های دیگر این است که همراهی مردم با حاکمیت، از سر محبت قلبی است نه ترس و وحشت و اجبار.

داستان فتح مکه، اسلام آوردن «ابوسفیان» و برخوردی که پیامبر اکرم با او و مشرکان مکه می‌کنند، اخلاقی‌ترین نمونه پیروزی و برخورد لشکر غالب با مردم مغلوب در تاریخ بشر است.

هنگامی که مسلمانان وارد مکه شدند، شعار می‌دادند: الیوم یوم الملاحمه: «امروز روز در هم کوبیدن است». پیامبر (صلی‌الله علیه و آله) فرمودند: شعار را عوض کنید و بگویید: الیوم یوم المرحمه: امروز روز رحمت است.

■ جناب دکتر جباری! با توجه به اینکه اخیراً بعد از تحولاتی که در افغانستان اتفاق افتاد، مسأله زن در اسلام دوباره به یکی از مباحث چالشی تبدیل شد، لطفاً توضیح بدهید نقش زنان در سیاست‌ورزی نبوی چگونه بود؟

با مرور اجمالی تاریخ عصر نبوی، شاهد تحولات بزرگ و کوچکی هستیم که زمینه‌ساز جابه‌جایی قدرت و حاکمیت در جامعه است. بی‌شک نمی‌توان نقش زنان را در این تحولات نادیده گرفت. اگر چه به اقتضای ویژگی‌های روحی و دغدغه‌های درونی و شرایط جسمی، مردان در این عرصه، حضوری پررنگ و همه‌جانبه دارند و حضور فعال زنان بیشتر در خانه و خانواده است ولی زنان در عصر اسلامی از اوضاع سیاسی اطراف خود غافل نبوده و در حد خود حضور فعال و نقش مؤثری داشتند. بر پایه همان حضور پررنگ مردان در عرصه‌های سیاسی، سهم بیشتر اخبار تاریخی به عملکرد آنان اختصاص دارد. البته با مطالعه و بررسی اخبار پراکنده و کم‌شمار حضور زنان در عرصه سیاست می‌توان تصویری از این مشارکت ارائه داد. در این قسمت، مشارکت زن در ۴ محور بیعت، هجرت، جنگ و امان دادن قابل تبیین است که به صورت گذرا به شرح آن می‌پردازم.

**الف) حضور زنان در مراسم بیعت:** بیعت از اصلی‌ترین

بیعت دیگری که شاهد حضور زنان بود، بیعت رضوان است. سال ششم هجری پیامبر اکرم تصمیم به برگزاری عمره گرفتند. از این رو جمع بسیاری از مسلمانان به دستور ایشان و بدون هیچ سلاح جنگی راهی مکه شدند. در بین راه تحولات به گونه‌ای بود که احتمال حمله مشرکان و قتل عام مسلمانان تقویت شد. در این شرایط حساس که امکان تزلزل و بازگشت برخی می‌رفت، مسلمانان با رسول خدا بیعت کردند. آنان پیمان بستند تا آخرین لحظه بر ایمان و عقیده خود پابرجا باشند. خداوند در قرآن درباره این پیمان می‌فرماید: «اِنَّ الَّذینَ یبایعونک انما یبایعون الله یدالله فوq ایدیهیم...». تعدادی از زنان مسلمان در این پیمان الهی حضور داشتند. کسانی همچون ام عماره انصاریه، نسیمیّه بنت کعب، ام هشام بنت حارثه بن نعمان و ام منذر سلمی بنت قیس بن عمر.

پیامبر اکرم از زنانی که به سوی مدینه هجرت می‌کردند نیز پیمان می‌گرفتند. مفاد بیعت زنان با رسول خدا به شرایط و ظروف زمانی بستگی داشت. البته عنصر مشترک آن ایمان به اسلام و وحدانیت خداوند متعال بود. مفاد دیگر این بیعت‌ها عبارت است از: بیعت بر طاعت، بیعت بر نصیحت، بیعت بر نصرت و جهاد و بیعت بر صبر بر فریض اسلام.

برخی خواستگاران با استناد به اینکه پیامبر اکرم در بیعت زنان با آنان دست نمی‌داد و استناد به مفاد برخی بیعت‌ها مثل بیعت بر معروف و نه ولایت و حاکمیت در آیه قبل، ثابت کنند ماهیت بیعت زنان با مردان تفاوت داشته و بیعت زنان بیشتر امری صوری و بی‌ارزش بوده و ضمانت اجرا نداشته است. این ادعا پذیرفته نمی‌شود زیرا با توجه به بیعت مشترک زنان و مردان در عقبه ثانیه و بیعت رضوان و با توجه به اینکه پیامبر اصولاً بیعت‌هایی که ضمانت اجرا نداشتند، مثل بیعت با بچه یا دیوانه را انجام نمی‌دادند، می‌توان گفت ارزش و جایگاه بیعت زنان، هم‌پایه بیعت مردان بوده است.

**ب) مشارکت زنان در هجرت:** به طور قطع، هجرت از مهم‌ترین شاخص‌های مشارکت سیاسی زنان در

این باره می‌توان از سببعه بنت حارث و ام الحکم بنت ابی سفیان نام برد.

زنان در هجرت‌های تاریخ صدر اسلام حضور دارند، از جمله هجرت به حبشه که در ۲ مرحله انجام گرفت. در مرحله اول هجرت به حبشه، ۴ زن به نام‌های رقیه، سهله بنت سهیل بن عمرو، لیلی بنت ابی‌حشمه و ام‌سلمه حضور داشتند و در مرحله دوم نام ۲۱ زن مانند اسماء بنت الحسین، ام‌کلثوم بنت سهیل بن عمر، امیه بنت خلف، ام حبیبیه بنت ابی‌سفیان، برکه بنت یسار، فاطمه بنت صفوان بن امیه، فارعه بنت ابی‌سفیان و اسماء بنت سلاله به ثبت رسیده است. از اینکه زنان مهاجر از قبایل مختلف و سطوح متفاوت جامعه بودند، معلوم می‌شود گروندگان به اسلام فقط از فقرا و بی‌باعتان نبوده، بلکه زنان قشر مرفه هم با شنیدن کلام الهی و سخن نبوی به اسلام ایمان می‌آوردند.

با افزایش آزار و اذیت مسلمانان توسط مشرکان و با فراهم شدن زمینه مناسب در یرث، پیامبر اکرم به مسلمانان دستور داد به آن شهر هجرت کنند. هجرت به مدینه از نقاط عطف و سرنوشت‌ساز تاریخ اسلام است. **ب) حضور در جهاد:** یکی دیگر از جلوه‌های مشارکت سیاسی زنان صدر اسلام شرکت در جنگ و جهاد است. در اسلام جهاد بر زنان واجب نیست. به طور قطع ویژگی‌های جسمی و روحی زنان در صدور چنین حکمی بی‌تأثیر نیست. نگاهی به تاریخ ملل دیگر نیز این مسأله را تأیید می‌کند که در جامعه بشری، نبرد در میدان جنگ به مردان واگذار و حضور زنان در آن استننا شده است. البته عدم وجوب جهاد بر زنان موجب بی‌تفاوتی آنان به این مسأله و ارزش‌های آن نشده است. گزارش‌های متعددی از پیگیری زنان صدر اسلام برای بهره‌مندی از فضیلت جهاد در راه خدا در منابع موجود است. روزی پیامبر اکرم از جهاد سخن می‌گفت که ام‌الحکم سکنینه بنت ابی‌وقاص از جهاد زنان سؤال می‌کند. در مجلس دیگری اسماء بنت یزید انصاریه از محرومیت زنان از جهاد سخن می‌گوید و رسول خدا آنان را به مأموریت‌های خطیرشان در خانواده و شوهرداری متوجه و آن را هم پایه جهاد معرفی می‌کنند.

به رغم عدم وجوب جهاد بر زنان، حضور آنان در بیشتر جنگ‌های صدر اسلام گزارش شده است، از جمله در جنگ‌های احد، خیبر، بنی قریظ، فتح مکه و حنین. بنابراین علت عدم یادکرد از زنان در برخی جنگ‌های صدر اسلام یا ذکر کم‌رنگ حضور آنان را می‌توان در سهل‌انگاری مورخان جست‌وجو کرد. در عین حال هیچ بعید نیست زنان در برخی جنگ‌ها به دلایل خاصی چون دوری مسافت، سختی راه، کمبود امکانات و... شرکت نکرده باشند. خاطرنشان می‌شود این حضور و مشارکت سیاسی در دوران جاهلی هم به همان‌گونه که گفته شد، وجود داشت، لیکن تفاوت در این است که انگیزه زنان جاهلی از این حضور، در تعصبات قبیله‌ای و حفظ منافع قبیله ریشه داشت ولی زنان مسلمان در راه خدا به میدان جنگ می‌رفتند. یکی از ابعاد مشارکت زنان صدر اسلام در میدان جنگ، فعالیت‌های تبلیغی بود. زنان با سرودن اشعار حماسی، روحیه رزم را در رزمندگان تقویت می‌کردند. زنان حاضر در جنگ خیبر در توضیح تلخ حضورشان در جنگ برای پیامبر اکرم می‌گویند: «... و نزل الشعر ففتین فی سبیل‌الله...». سپس رسول خدا با حضور ایشان موافقت می‌کند.

**ت) حق «امان دادن» به زنان:** پناه دادن مخالفان یکی دیگر از جلوه‌های مشارکت سیاسی جامعه صدر اسلام است. زنان نیز حق استفاده از ظرفیت سیاسی را داشتند. ام هانی در جریان فتح مکه ۲ نفر از آشنایان خود از بنی مخزوم را پناه داد و پیامبر اکرم امان او را پذیرفت. البته از دوران جاهلی نیز از پناه دادن زنان، از جمله سببعه بنت عبدشمس و حماعه بنت عوف بن معلم گزارش شده است، لکن می‌توان گفت در جاهلیت به دلیل ویژگی خاص زنان یا جایگاه ممتاز آنان نزد شوهران‌شان درخواست آنان رد نمی‌شد ولی در اسلام این مسأله از حقوق سیاسی مسلمانان، از جمله زنان قرار گرفت.

اینها مروری اجمالی بود بر جایگاه زنان در حکمرانی نبوی که نشانگر این است که رسول خدا تا چه حد وضعیت عقب‌مانده دوران جاهلی را اصلاح کردند و زنان را که تا پیش از این جزو اثاثیه و کالای مرد حساب می‌شدند، به چنان جایگاهی می‌رسانند که پا به پای مردان در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی حضور دارند.



**پیامبر (ص) درباره اعزام افراد برای تبلیغ و اداره امور یک حکومت و اعطای مسؤولیت به افراد به منظور فرمانداری و استانداری و مدیریت و حکومت بخشی از مناطق تحت اداره خویش با اصحاب مشورت می‌کردند**

**پیامبر مکرّم اسلام به حکم دستور قرآن که فرمان داد: «و مشاورهم فی الامر»، مردم را طرف مشاوره خود قرار می‌داد. همین مشارکت مردم در اداره و تدبیر جامعه موجب رشد و بلوغ سیاسی و اجتماعی مردم می‌شد**

جلوه‌های مشارکت سیاسی در صدر اسلام است. بیعت مسلمانان با پیامبر اکرم به معنی رای دادن به پیامبری ایشان نیست، بلکه با بیعت، پیمان می‌بستند به آنچه پیامبر فرموده عمل کنند و از ایشان حمایت کنند. حضور زنان در بیعت با پیامبر اکرم در بیشتر منابع تاریخی گزارش شده است. ابن سعد دسترسی به امار، اسامی و شرح حال زنان بیعت‌کننده با رسول خدا را آسان کرده است. او شرح حال ۶۰۰ زن را در ۳ محور زنان بیعت‌کننده قریش و همپیمانانش، زنان بیعت‌کننده انصار و زنان بیعت‌کننده ناشناس آورده است. در کتاب المحبر نام ۳۶۱ زن بیعت‌کننده آمده است.

زنان در کنار مردان در پیمان اول و دوم عقبه با پیامبر پیمان بستند. این ۲ پیمان به فاصله یک سال از یکدیگر بین رسول خدا و مردمی از یرث بسته شد. از مطالعه تاریخ شده است، این ۲ بیعت در آن شکل گرفت و فشار سهمگینی که مشرکان بر مسلمانان وارد می‌کردند، بخوبی اهمیت و جایگاه این ۲ پیمان را نمایان می‌کند. در پیمان عقبه اولی، زنی به نام عقره بنت عبیدبن ثعلبه در کنار مردان حضور داشت. یک سال بعد شمار بیشتری از مردم یرث در پیمان شرکت کردند. آنان با تلاش بیعت‌کنندگان عقبه اولی و تبلیغ مصعب بن عمیر که از سوی پیامبر اکرم مأمور آموزش قرآن و معارف الهی به مردم یرث شده بود، مسلمان شده بودند. روح اصلی این پیمان، حمایت و یاری پیامبر تا سرحد جان و جهاد در رکاب او است. برخی در اهمیت این پیمان آن را هم‌تراز جنگ بدر می‌دانند. در این پیمان در کنار مردان ۲ زن به نام‌های نسیمیّه بنت کعب ام عماره و اسماء بنت عمرو حضور داشتند.

**ب - سبقت رحمت بر غضب**

طبق آیات قرآن، خداوند رحمتش بر غضبش پیشی دارد، همین ویژگی نیز در رسول خدا متجلی بود؛ مدارا و نرمش و عفو، از مهم‌ترین عناصر رفتاری پیامبر